

فقه واجتهاد

دوفصلنامه تخصصی فقه و علوم وابسته
سال سوم، شماره ششم (پاییز و زمستان ۱۳۹۵)
سال چهارم، شماره هفتم (بهار و تابستان ۱۳۹۶)



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
مدیر مسئول: آیت الله محمدجواد فاضل لنکرانی
سر دبیر: دکتر حمید ستوده



شورای مشاوران علمی (به ترتیب حروف الفبا):

سید جواد حسینی خواه (استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم) / حمید ستوده (استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی ایران) / محمدجعفر طبعی (مدرس دانشگاه و استاد حوزه علمیه قم) / سید علی علوی قزوینی (دانشیار دانشگاه تهران، پردیس فارابی) / ابوالقاسم علیدوست (دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) / محمدجواد فاضل لنکرانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدرضا فاضل کاشانی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمد قاضی (استاد دروس خارج حوزه علمیه قم) / محمدعلی قاسمی (استاد حوزه علمیه قم و مدرس جامعه المصطفی العالمیه) / محمدمهدی مقدادی (دانشیار دانشگاه مفید قم) / سید محمد نجفی یزدی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه و استاد دروس خارج حوزه علمیه قم)



دبیر اجرایی: محسن شیرخانی
ویراستار فنی: رضا پورصدقی
همکاران مترجم در این شماره: حبیب ساعدی (عربی) - سید محمد سلطانی (انگلیسی)
نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه فقه و اجتهاد
تلفن: ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۳۷۷۳۰۵۸۸ - ۰۲۵
قیمت: ۴۵۰۰۰۰ ریال



Repentance; Its Whatness and Criteria in Imami Fiqh and Iranian Law and Its Role in Avoiding Hudud

Alireza Ebrahimi

Abstract

Repentance is considered as one of the ways of avoiding punishments. This is to be called a “Judicial Constitution” which is not found in other judicial school of thought. It is one of the best way of correcting sinners. This article studies this issue with a critical analytical approach. According to the holy Qur’an, hadiths and Muslim jurists’ sayings one can conclude that a true regret and will to avoid sin is enough for repentance and there is no need for any special words or acts. According to Islamic criminal law and Imami feqh repentance has a great position and if performed with complete qualifications, it can be considered as a legal way of avoiding punishment. If a misdemeanor repents after confession, the judge can ask for forgiveness from Wali-e amr. But after testimony repentance has no legal effect.

Keywords: Repentance, Hudud, Confession, Removal of Punishment.



حقيقة التوبة وشرائطها في فقه الامامية وقانون ايران ودورها في اسقاط الحدود

٢٣٩

عليرضا الابراهيمي

الخلاصة: التوبة في القانون الاسلامي تعد من أحد الأمور التي ترفع العقوبة، وهي تعد تأسيساً قانونياً بحيث لم يتم ملاحظتها في بقية المدارس الجزائية المعاصرة، ويكفي في أهميتها أنها تعد من أفضل الطرق لعدم تكرار الجرائم واصلاح المجرمين. وهذا المقال يتناول هذه المسألة بطريقة مكثبة وبحث تحليلي وصفي، ونستنتج من الآيات والروايات، وكلام فقهاء الاسلام انه يكفي لتحقيق التوبة الندامة الحقيقية والعزم على ترك الذنب بشكل دائم، واداء التوبة لا يحتاج الى الفاظ واعمال خاصة، ان تحقق التوبة بشرائطها الكاملة من الحجج القانونية لرفع العقوبة في الجرائم المرتبطة بحق الله قبل ثبوت الجريمة من خلال الاقرار او الشهادة، ولكنها لا توجب رفع العقوبة في الجرائم التي فيها جانب حق الناس وإذا تاب الجاني بعد الاعتراف، فيجوز للقاضي (مخيراً) أن يطلب من ولي الامر العفو عنه أو فرض عقوبة عليه، لكن التوبة بعد اقامة البينة لا يكون لها أي أثر قانوني.

الكلمات الرئيسية: التوبة، الحد، الاقرار، رفع العقوبة.



ماهیت توبه و شرایط آن در فقه امامیه و حقوق ایران و نقش آن در اسقاط حدود

علیرضا ابراهیمی*

چکیده

توبه در حقوق اسلامی به عنوان یکی از موارد سقوط مجازات شمرده شده و یک «تأسیس حقوقی» است به گونه‌ای که امروزه در سایر مکاتب کیفری، نمونه آن به چشم نمی‌خورد. در اهمیت آن همین بس که یکی از بهترین شیوه‌های جلوگیری از تکرار جرم و اصلاح مجرمین است. این نوشته با روش کتابخانه‌ای و به صورت تحلیلی توصیفی این مسئله را مورد بررسی قرار می‌دهد. با تأمل در آیات و روایات و نیز سخنان فقهای اسلام، استنباط می‌شود که برای توبه، ندامت حقیقی و عزم بر ترک گناه برای همیشه کافی است و انجام آن، نیاز به لفظ و اعمال خاصی ندارد. در قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه، توبه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و اگر با شرایط کامل انجام شود یکی از معاذیر قانونی معافیت از مجازات شناخته شده است که در جرایم حق الله، قبل از ثبوت جرم به وسیله اقرار یا شهادت شهود، مسقط مجازات بوده، ولی در جرایمی که جنبه حق الناس دارند، موجب سقوط مجازات نیست. اگر بزهکاری، بعد از اقرار توبه کند قاضی می‌تواند (مخیر است) که از ولی امر برای او تقاضای عفو نماید یا مجازات را در حق وی اعمال کند اما توبه بعد از اقامه بینه هیچ اثر حقوقی ندارد.

کلیدواژه‌گان: توبه، حد، اقرار، سقوط مجازات.

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم در آموزه‌های اسلامی «توبه» است. توبه، عمری همپای عمر انسان دارد، زیرا زندگی حضرت آدم در زمین با آن آغاز می‌شود و پیامبران توحیدی مانند ابراهیم، اسماعیل، یونس، موسی و پیامبر گرامی اسلام ﷺ همواره در حال توبه بوده‌اند.

فقها با الهام از آیات و روایات، آثار حقوقی آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. توبه در حقوق جزای اسلامی به عنوان یکی از موارد سقوط مجازات شمرده شده است. اما ذکر این نکته نیز ضروری است که با توجه به این‌که توبه، یکی از معاذیر قانونی معافیت از مجازات است ارکان و شرایط آن چیست؟ آیا توبه در همه جرایم، سقوط مجازات را در پی دارد؟ نگارنده در این نوشتار بر آن است که این «تأسیس حقوقی» را از جوانب مختلف، به ویژه از منظر فقها و حقوقدانان اسلامی و به عنوان یکی از علل سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام، مورد بررسی قرار دهد. هدف از نگارش این متن، تبیین دقیق علمی نقش توبه در تخفیف و اسقاط مجازات حدود می‌باشد و روش مطالعه در این مقاله توصیفی - تحلیلی است.

۲. مفهوم و ماهیت توبه

۱- ۲. مفهوم لغوی و اصطلاحی توبه

توبه از ماده «توب» به معنای بازگشت از گناه است. (ابن فارس، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۷۵؛ ابن منظور، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۶۱)

۲- ۲. توبه در حقوق کیفری

توبه در حقوق کیفری اسلام، به معنای بازگشت از گناه و اعمال مجرمانه و پشیمانی از اعمال گذشته و سعی در انجام اعمال صحیح و پسندیده و عدم تکرار جرایم گذشته است؛ بنابراین تعریف، سه عنصر ندامت و پشیمانی و اعتذار و عدم برگشت بر گناهان گذشته، در مفهوم توبه نهفته است. (شوشتری، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۱۰۹)

۳-۲. توبه در لسان فقها

مرحوم محقق اردبیلی می‌فرماید: «التوبة هي الندامة والعزم على عدم الفعل لكون الذنب قبيحاً ممنوعاً وإمثالاً لأمر الله ولم يكن غير ذلك مقصوداً». (اردبیلی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۶) توبه به معنای ندامت و عزم بر عدم انجام آن فعل است، زیرا گناه قبیح و ممنوع است و غیر از این مراد نیست. از تعریف فوق دو نکته استفاده می‌شود:

۱. پشیمانی و ندامت، توبه است. ۲. ترک گناه باید به خاطر قبح شرعی آن باشد. در توضیح این نکته باید گفت که «ترک گناه» گاهی به خاطر عدم توانایی بر انجام آن است و زمانی به خاطر ممنوع و قبیح بودن آن است؛ از این رو، مجرد «عدم فعل» توبه نیست؛ مثلاً کسی در ارتکاب فعل زنا مبتلا به بیماری‌هایی شود که مانع تولید مثل و فرزنددار شدن او می‌شود؛ حال اگر وی به خاطر فرزنددار نشدن، از عمل ارتکابی خود پشیمان شود، این پشیمانی توبه نیست؛ زیرا پشیمانی او به خاطر قبح شرعی عمل نمی‌باشد؛ عدم فعل و پشیمانی از گناه باید به خاطر معصیت و قبیح بودن نفس گناه باشد و در عدم فعل و پشیمانی، عنصر و قصد دیگری دخیل نباشد.

نکته‌ای را که مرحوم شیخ بهائی علاوه بر ندامت و پشیمانی در توبه لازم می‌داند، عزم همیشگی بر ترک و بازگشت به گناه و معصیت است که لازمه‌ی این عزم، ندم بوده و از آن جدایی‌ناپذیر است.

مرحوم علامه طباطبایی در تعریف توبه می‌نویسد: «توبه در لغت، به معنای برگشت است و توبه از بنده، برگشت اوست به سوی پروردگارش با پشیمانی و بازگشت از سرپیچی و از جانب خداوند، به معنای توفیق وی به توبه یا آمرزش گناه اوست.» (طباطبایی، ۱۳۸۴ش، ج ۴، ص ۳۷۹)

توبه، عبارت از ندامت و پشیمانی است که اعتراف و اعتذار را در پی دارد و مانع از بازگشت به اعمال مجرمانه و گناه می‌شود.

فقها تعاریف گوناگونی از توبه ارائه نموده‌اند که جهت ورود به بحث به چند مورد آن اشاره می‌شود:

- اظهار ندم و استمرار عمل صالح است. (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۰، ص ۵۴)
 - ندم بر معاصی گذشته و عزم بر عدم عود در آینده، در راستای ترک آن به جهت قبح آن. (نجفی، ۱۳۶۳ش، ج ۴۱، ص ۱۱۶)
 - رجوع به خداوند بعد از رویگردانی از او و رجوع به صراط مستقیم خدا بعد از انحراف از مسیر او. (انصاری، ۱۳۷۵ش، ص ۳۳۵) شیخ انصاری تحقق این رجوع را در این می‌داند که شخص گناهکار یقین پیدا کند که دوری از خدا و انحراف از مسیر او زیانی است که با دیگر زیان‌ها قابل مقایسه نیست و بعداً متناسب با این یقین، در او تألم نفسانی به وجود آید که این تألم نفسانی را ندم گویند. (همان)
 - رجوع از طبیعت بسوی روحانیت نفس، بعد از آن‌که بواسطه‌ی معاصی و کدورت نافرمانی، نور فطرت، محجوب به ظلمت طبیعت شده. (خمینی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۲۷۲)

۴ - ۲. توبه در قرآن

قرآن کریم در آیات متعدد، انسان‌ها را به توبه تشویق می‌کند. خداوند توابین را مساوی با مطهرین قرار داده و می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ﴾ (بقره، ۲۲۲).
 یکی از سوره‌های قرآن کریم به نام «توبه» نامگذاری شده است. واژه توبه و مشتقات آن، نود و دو بار و کلمه «استغفار» و مشتقات آن، چهل و پنج بار در قرآن کریم ذکر شده است. همچنین در روایات صادره از طرف معصومین علیهم‌السلام نیز به توبه و اثرات آن بسیار سفارش شده است.
 از دیدگاه قرآن، توبه، چهره عمل را تغییر داده و گناهان را تبدیل به نیکی‌ها و حسنات می‌کند. ﴿أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ (مائده، ۷۴). «چرا به درگاه خدا توبه نمی‌کنند و از وی آمرزش نمی‌خواهند و خدا آمرزنده مهربان است.» مقصود از استغفار طلب آمرزش برای گناهان است. (طباطبائی، ۱۳۸۴ش، ج ۱۰، ص ۲۰۹)
 آثار توبه، نه تنها در بعد فردی، بلکه در بعد اجتماعی نیز قابل توجه است. توبه نه تنها شخص را اصلاح می‌کند، بلکه جامعه را در برابر تکرار جرم و گناه از سوی توبه‌کار ایمن می‌کند.

۵ - ۲. توبه در روایات

مولی الموحدين امام علی علیه السلام در ضمن تعریف جامعی، استغفار و توبه را در شش عنصر زیر می‌بیند: ۱. ندم و پشیمانی بر گناهان گذشته. ۲. عزم جزم بر عدم بازگشت به گناه. ۳. اداء حقوق ضایع شده مردم تا حد یقین به برائت ذمه. ۴. اداء حقوق الهی و فرایض متروکه در گذشته. ۵. ذوب گوشت روئیده از حرام با سلاح اندوه تا مرز روئیدن گوشت تازه بر بدن از حلال. ۶. چشاندن رنج طاعت به اعضاء و جوارح به عوض چشاندن شیرینی گناه در گذشته. (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷، ص ۷۳۰)

همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید: «التوبة علی اربعة ندم بالقلب و استغفار باللسان و عمل بالجوارح و عزم علی ان لا یعود». (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۳۷)

در این روایت به صورت روشن، ارکان و ستون‌های توبه مشخص شده که ارکانی درونی و بیرونی را دربر می‌گیرد؛ چنان‌که قبلا به آنها اشاره شد.

۳. جایگاه توبه در حقوق جزا

توبه، از بنیادهای حقوق جزا است (اردبیلی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۱) و در سائر مکاتب کیفری امروزی، نمونه آن دیده نمی‌شود. در حقوق کیفری اسلام، توبه یکی از معاذیر قانونی معافیت از مجازات محسوب می‌شود؛ بدین معنا که مجرم دارای مسئولیت کیفری است؛ اما رعایت پاره‌ای از مصالح و اعمال سیاست جنایی مناسب، ایجاب می‌کند که از وی رفع مجازات شود. به عنوان نمونه، کسی که عضو گروه‌های غیر قانونی بوده است و پیش از کشف باندهش، خود را تسلیم مراجع ذیصلاح قانونی می‌کند در این صورت جامعه بنا به دلائل مختلف از جمله تشویق به تسلیم آنها از اعمال مجازات صرف نظر می‌کند. در مورد شخص تائب نیز قضیه همین‌گونه است؛ یعنی با وجود این‌که عمل ارتكابی جرم بوده و مرتکب جرم نیز دارای شرائط مسئولیت کیفری است اما قانونگذار به علت ندامت و پشیمانی حقیقی مجرم، از مجازات او صرف نظر می‌کند.

امروزه، جرم‌شناسان معتقدند که مجازات و سزادهی مجرم، هدف مطلق نیست؛ بلکه وسیله‌ای برای اصلاح، بازپروری و یا ارباب اوست و مجازات‌ها را

باید طوری مقرر نمود که بتواند مجرم را به ضوابط اجتماعی آشنا سازد و به او تعلیم دهد که لازمه زندگی جمعی، سر نهادن به پاره‌ای از مقررات است و او ناگزیر به پیروی از اوامر و نواهی جامعه خود می‌باشد و اگر در این کار موفقیت حاصل شود، به جامعه باز می‌گردد. حال اگر مجرمی مجازات شود در حالی که پس از ارتکاب عمل، از کرده خویش به شدت پشیمان گشته به طوری که دچار عذاب وجدان شده و مصمم است که دگر باره مرتکب چنین عملی نشود و اشتباه خود را جبران نماید و هرگز از قواعد اجتماعی تخلف نکند کار بیهوده است؛ زیرا موضوع اعمال مجازات در واقع سالبه به انتفاء موضوع شده و بدون اعمال مجازات، هدف محقق شده است.

۴. جایگاه توبه در فقه امامیه

توبه را می‌توان از دیدگاه فقهی، با توجه به آثار آن، بر دو قسم تقسیم نمود:
 ۱. توبه باطنی؛ ۲. توبه حکمی.

۱- ۴. توبه باطنی

توبه باطنی، عبارت از توبه بین انسان و خداوند می‌باشد که با توجه به نوع گناه، دارای انواعی است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۶ق، ج ۸، ص ۱۷۶) به طور کلی، گناهان اقسام گوناگونی دارند که کیفیت توبه نسبت به هر یک نیز مختلف است. این گناهان را می‌توان به سه قسم، تقسیم کرد:

الف) موجب زائل شدن حقی از دیگران یا ثبوت حدی از حدود الله نمی‌شود، بلکه گناه به خود گناهکار مربوط شده و به بیرون سرایت نمی‌کند؛ مانند حسادت و دروغگویی. در این صورت، اگر گناهکار از کرده خویش نادم و پشیمان شده و تصمیم بگیرد که برای همیشه به آن گناه عود نکند، توبه محقق شده و اثرات توبه نیز بر آن بار می‌شود.

ب) موجب ثبوت مالی از حقوق الناس یا حقوق الله می‌گردد؛ مانند ترک زکات و خمس. در این مورد، توبه زمانی قابل تحقق است که علاوه بر پشیمانی و ندامت از گذشته، حقوقی را که بر ذمه‌اش قرار گرفته بپردازد.

ج) گناه موجب حد شرعی باشد که این خود از نظر کیفیت ثبوت حد از جنبه حق به سه دسته تقسیم می‌شود.

۱. از جنبه حق الله موجب حد شرعی می‌شود؛

۲. از جنبه حق الناس موجب حد شرعی می‌شود؛

۳. هم از جنبه حق الله و از جنبه حق الناس موجب ثبوت حق می‌شود، مانند سرقت.

۱ - ۱ - ۴. چگونگی توبه در حقوق الله

ارتکاب پاره‌ای از جرایم فقط تجاوز به حق خداست نه به حق دیگران؛ مانند شرب مسکر، زنا و لواط در موردی که با رضایت طرفین، انجام شده، نه به زور و عنف. زیان تجاوز به حق خدا، به جامعه انسانی و مصالح عمومی بر می‌گردد؛ در اینگونه جرایم که حق الله محض است و جرایمی که جنبه حق الهی آن غلبه دارد، مانند سرقت مستوجب حد، ممکن است جرم آشکار گردد و ممکن است مخفی بماند. کیفیت تحقق توبه در هر دو صورت باید به صورت مستقل، مورد بررسی قرار گیرد.

الف) آشکار نشدن جرم

در فرض آشکار نشدن جرم، بعد از توبه، مستحب است که مرتکب، از افشای آن و معرفی خود به قاضی (حاکم) خودداری نماید؛ در تأیید این مطلب در منابع روایی اسلام، روایات معتبر متعددی وارد شده است که جهت رعایت اختصار ذکر دو روایت کافی است. معاذ بن مالک اسلمی نزد رسول اکرم ﷺ اقرار به زنا نمود. پیامبر اکرم ﷺ ابتدا به طور غیر مستقیم وی را بر کتمان سرّ، هدایت نمود و سعی کرد او را در اقرار مردد نماید؛ اما معاذ اصرار به اقرار نمود و سرانجام به زنا اقرار کرد. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «بهتر بود که تو این موضوع را کتمان می‌کردی.» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۶، ص ۴۴)

علی بن ابراهیم از احمد بن خالد نقل می‌کند: «روزی مردی در کوفه، نزد امیرالمؤمنین علیه السلام رسید و اقرار به زنا نمود و گفت: ای امیرالمؤمنین من زنا کردم؛ پس مرا پاک گردان.» امام علی علیه السلام با همان شیوه پیامبر ﷺ سعی در تشویق وی به کتمان

سرّ نمود؛ امام در پی اصرار زانی به اقرار به زنا، بعد از چهار بار اقرار، حکم حد را بر وی جاری نمود و این جملات گوهربار را با عصبانیت فرمود: «چقدر زشت است برای مردی از شما که مرتکب چنین اعمال زشتی شود و پس از آن، خود را در ملأ عام رسوا نماید. پس آیا توبه در خانه‌اش بهتر نبود؟ قسم به خدا، هر آینه توبه وی بین خود و خدا، بهتر از اقامه حد به وسیله من بر او می‌باشد.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۱۸۸؛ حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۳۷۲) شایان توجه است که امام علی علیه السلام در این حدیث شریف، چهار موضوع مهم را بیان فرمودند و در واقع به این ترتیب، اشکالات وارده را پاسخ دادند؛ در این روایت، حضرت با عصبانیت و ناراحتی، با عبارت «ما اقیح» یعنی چقدر زشت است! زشتی و نادرستی عمل زنا را اعلان نمودند؛ آن‌گاه با عبارت «فیفصح نفسه» زشت‌تر از عمل زنا، مسئله آشکار نمودن این عمل را در ملأ عام متذکر شدند؛ زیرا، اثرات سوء افشای گناه، از خود انجام آن در جامعه به مراتب بیشتر است؛ این عمل، علاوه بر هتک دستورات حیات‌بخش شریعت اسلام، موجب تشویق افراد ضعیف النفس و بیماردل، به انجام گناه می‌شود. سوم آن‌که توبه مرتکب بین خود و خدایش را بسیار پسندیده قلمداد می‌کنند و در پایان، با عبارتی ظریف می‌فرمایند: توبه بهتر از اقامه حد است.

ب) آشکار شدن جرم

در صورت آشکار شدن جرم، توبه عبارت است از پشیمانی از گذشته، عدم تکرار جرم و پذیرفتن حکم اجرای حد که توبه در این صورت، مسقط حد نیست؛ زیرا بعد از علنی شدن گناه، توبه اثر خود را برای فرد و جامعه از دست می‌دهد و فاقد اثر حقوقی دنیوی (سقوط مجازات) می‌گردد. چنان‌که شیخ طوسی رحمته الله علیه در کتاب «المبسوط» در این باره می‌نویسد: «هرگاه جرم به طور علنی مطرح شود، فایده‌ای در ترک اقامه حد بر او (مجرم) وجود ندارد». (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۱۷۸)

۲ - ۱ - ۴. چگونگی توبه در حقوق الناس

حقوقی که برای افراد یا اجتماعات شناخته شده را حقوق الناس گویند که در مقابل «حقوق الله» استعمال می‌شود. (لنگرودی، ۱۳۷۸ش، ج ۱، ص ۲۲۸). بنابر تعریف

دیگر؛ جرایمی که منحصرأ جنبه شخصی دارند و فرد یا افراد معین از آن متضرر می‌گردند و یا امثال آن، مربوط به حق الناس است (ولیدی، ۱۳۹۴ق، ج ۴، ص ۲۲۴) از قبیل حق مالی، حق بر بدن و حق معنوی، حق مربوط به عرض، آزادی و ...

الف) حق مالی: برخی از جرایم در حقوق الناس، حق بر مال می‌باشد. مانند سرقت تعزیری و جرایم مالی مشابه، در این موارد علاوه بر پشیمانی از گذشته و تصمیم بر ترک جرم، بازگرداندن مال مسروقه و در صورت تلف، جبران آن و تحصیل رضایت صاحب مال نیز شرط پذیرش توبه است.

ب) حق بر بدن: در بعضی از جرایم، به واسطه فعل انسان، حق بر بدن ایجاد می‌گردد. مانند جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص یا قتل که مستوجب قصاص است و ضرب و جرح عمدی که حکم آن نیز قصاص می‌باشد؛ در این گونه جرایم، پذیرفتن اجرای مجازات قصاص یا پرداخت دیه به حسب مورد، جزو مفاد توبه است و در این صورت، اثر توبه مربوط به حیات اخروی شخص می‌باشد.

ج) حق معنوی: در برخی از گناهان و جرایم، ممکن است به واسطه ارتکاب اعمال، به آبروی اشخاص، خللی وارد شود که در آن موارد نیز، جرم دارای جنبه حق الناس می‌باشد مانند جرم قذف که به واسطه آن، آبروی افراد در معرض تهدید قرار می‌گیرد. در اینگونه موارد نیز، پذیرفتن اجرای حد قذف از شروط توبه است. اثر این نوع توبه نیز مربوط به حیات اخروی شخص است.

۲ - ۴. توبه حکمی

توبه حکمی، توبه‌ای است که بر فرض صحت تحقق آن، عدالت و شهادت افراد، مورد قبول قرار می‌گیرد که با توجه به نوع معصیت، لازم است درباره آن مفصل تر بحث شود.

۱ - ۲ - ۴. جرم در ارتکاب افعال

هرگاه، جرم عبارت از ارتکاب افعال باشد، مانند فعل زنا، لواط، سرقت، شرب مسکر و ...، توبه در این موارد عبارت از پشیمانی از گذشته و انجام اعمال صالح است؛ چنان‌که در قرآن کریم، در آیات بی‌شماری بر این موارد تصریح شده

است؛ در آیه ۷۰ سوره فرقان در این باره آمده است: «مگر کسانی که توبه کردند و ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند، پس خداوند اعمال زشت آنها را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند.»

اگر فرد مرتکب، صالح شود در این صورت توبه‌اش صحیح است و مدت زمانی که لازم است فرد در آن زمان، مرتکب اعمال گذشته نگردد، یکسال است؛ البته بعضی از فقها مدت آن را شش ماه دانسته‌اند. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ش، ج ۸، ص ۱۷۸) که بعد از سپری شدن این مدت، عدالت تائب ثابت شده و شهادتش پذیرفته می‌شود. برای بررسی بهتر نقش توبه در اسقاط حدود، مناسب است بخشی از جرایم منافی عفت مورد بررسی قرار گیرد.

الف) توبه از زنا

از بزرگترین گناهان، زناست که شارع مقدس برای آن مجازات سنگین در نظر گرفته است. حال اگر شخص زانی توبه کند، موضوع متفاوت می‌شود. از این رو در سه قسمت مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

یکم. توبه زانی قبل از شهادت شهود

اگر شخصی که مرتکب عمل زنا گردیده قبل از اثبات آن در محکمه، توبه نماید مشهور فقهای امامیه بر این عقیده‌اند که حد از او ساقط می‌گردد. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۸) البته در این مسئله دو تن از فقها مرحوم خوئی و تبریزی با تردید در ادله قول مشهور، نظر مخالف دارند. ایشان معتقدند که جز در حد سرقت و محاربه که به دلیل خاص، حد با توبه قبل از اثبات ساقط می‌شود حد زنا و یا حدود دیگر با توبه قبل از اثبات، ساقط نمی‌شود. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ تبریزی، ۱۴۱۷ق، ص ۹۶ و ۳۰۷ و ۳۱۳)

فقها به چند دلیل تمسک کردند که عمده آنها روایات است که در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

الف) قائلان به سقوط حد زنا با توبه، به روایتی تمسک کرده‌اند که اشاره می‌شود:

روایت جمیل بن درّاج که مرسله است. جمیل بن درّاج از مردی و او از امام باقر علیه السلام و یا امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که درباره شخصی سؤال شد که دزدی کرده، یا شراب خورده و یا زنا کرده است، ولی این جرم اثبات نمی‌شود و او دستگیر نمی‌گردد تا این که توبه می‌کند و شخص صالحی می‌شود، حکم او چیست؟ حضرت در پاسخ می‌فرماید: «هرگاه عمل صالحی انجام دهد و کار شایسته‌ای از او سر بزند، حد بر او جاری نمی‌شود.» (حر عاملی، بی تا، ج ۱۸، ص ۳۳۸). این روایت به صراحت دلالت دارد که اگر کسی مرتکب زنا یا سرقت و یا شرب خمر شود و جرم وی ثابت نشده و دستگیر نگردد و توبه کند حد بر او جاری نمی‌شود. با الغای خصوصیت از این روایت می‌توان نتیجه گرفت که توبه قبل از اثبات هر حد، باعث سقوط آن می‌شود. (کریمی جهرمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۳)

دوم. توبه زانی بعد از شهادت شهود

در فرضی که شخص زناکار پس از شهادت شهود توبه کند، مشهور فقها بر این عقیده‌اند که اگر توبه زناکار بعد از شهادت شهود باشد، حد از او ساقط نمی‌گردد. (نجفی، ۱۳۶۳ش، ج ۴۱، ص ۳۰۸)

الف) روایات: روایات متعددی همچون معتبره طلحة بن زید، مرسله ابوبصیر و روایات «فرار از گودال رجم» می‌تواند مستند مشهور باشد. در این قسمت به یک روایت اشاره می‌شود.

طلحة بن زید در روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: «إذا قامت البینه فلیس للإمام أن یعفو؛ اگر شهود شهادت دهند امام حق عفو ندارد.» (حر عاملی، بی تا، ج ۱۸، ص ۳۳۱) این روایت نسبت به این که مجرم پس از بینه توبه کند یا نه، مطلق است و در نتیجه حد باید اجرا گردد.

ب) استصحاب: وقتی شهود به ارتکاب شخصی به زنا، شهادت داده‌اند حد ثابت و واجب می‌شود. حال اگر مجرم توبه کند و شک پیدا شود که آیا توبه، حد را ساقط کرده یا نه، بقای وجوب حد استصحاب می‌شود و در نتیجه حد باید بر مجرم، جاری شود. (لنکرانی، ۱۴۲۷ق، ص ۱۳۵)

سوم. توبه زانی بعد از اقرار

مشهور فقهای شیعه در مورد شخصی که به ثبوت حد زنا در ذمه‌اش اقرار کند و سپس توبه نماید، معتقدند که امام، در اقامه حد و بخشودن او مخیر است؛ خواه حدی که زانی به آن اقرار کرده، سنگسار باشد یا تازیانه. (نجفی، ۱۳۶۳ش، ج ۴۱، ص ۲۹۳) در مورد حدی که مستلزم سنگسار است صاحب جواهر می‌نویسد: «هیچ اختلافی در آن، میان فقها نیافتم، بلکه بنابر آن چه در سرائر نقل شده است فقها بر آن اجماع دارند.» (نجفی، ۱۳۶۳ش، ج ۴۱، ص ۲۹۳)

دیدگاه دیگر جواز عفو زانی بعد از اقرار است که مستندات اصلی این قول نیز، روایات می‌باشد که یکی از آنها ذکر می‌شود؛ در معتبره طلحة بن زید، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردی نزد امیرمؤمنان علیه السلام آمد و به سرقت اقرار کرد. حضرت به او فرمود: آیا چیزی از قرآن را میدانی و می‌خوانی؟ گفت: بله سوره بقره. حضرت فرمود: دستت را به سوره بقره بخشیدم. اشعث گفت: آیا از حدود خداوند، حدی را تعطیل می‌کنی؟ حضرت فرمود: «تو چه می‌دانی که این چیست؟ هر گاه بینه‌ای برپا شود، امام نمی‌تواند ببخشد و هر گاه خود انسان به زیان خویش اقرار کند، اختیار با امام است. اگر بخواهد می‌بخشد و اگر بخواهد دست را می‌برد.» (حر عاملی، بی تا، ج ۱۸، ص ۳۳۱)

استناد به این روایت با این اشکال مواجه است که این روایت در خصوص سرقت است و در حد زنا و سایر حدود جاری نمی‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۷۸ - ۱۷۹) ولی پاسخ این است که جمله پایانی روایت «إن شاء عفی و إن شاء قطع» در بردارنده یک قاعده کلی است. (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸ش، ص ۱۸۷) یعنی اگر شهود شهادت دهند، امام حق عفو ندارد و اگر شخص بر ضد خویش اقرار کند، امام اختیار عفو یا اجرای حد را دارد. در نتیجه می‌توان گفت که در تمام حدود، بعد از اقرار مجرم، امام اختیار عفو یا اجرای حد را دارا است.

ب) توبه از لواط

از آن جا که لواط عمل شنیع و زشتی است، شارع مقدس مجازات سنگینی برای آن وضع نموده است. حال اگر مرتکب چنین عملی از کرده خود پشیمان شده و

توبه نماید، آیا توبه وی تأثیری در سقوط مجازاتش خواهد داشت؟ در این بحث در سه قسمت به پاسخ این سؤال پرداخته می‌شود:

الف) توبه لواط‌کننده قبل از اثبات جرم: اگر مرتکب عمل شنیع لواط قبل از اثبات توبه نماید بنابر نظر مشهور فقهای امامیه، حد، ساقط می‌شود. (نجفی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۷۸؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ص ۲۸۵) ادله مشهور فقهای امامیه در سقوط حد لواط با توبه قبل از اثبات، همان است که در مبحث زنا مطرح شد.

ب) توبه لواط‌کننده بعد از شهادت شهود: در صورتی که مرتکبان به این عمل زشت بعد از شهادت شهود، توبه کنند مشهور فقهای امامیه معتقدند حد ساقط نمی‌شود. (نجفی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۱۳۸۷) استصحاب نیز دلیل دیگر این مورد است. **ج) توبه لواط‌کننده بعد از اقرار به جرم:** مشهور فقها معتقدند اگر لواط‌کننده بعد از اقرار توبه نماید امام در عفو و اجرای حد، مخیر است. (نجفی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۸۷) دلیل عمده و اساسی آن، روایات است که به ذکر یک نمونه اکتفا می‌شود.

ابن شعبه حرانی در *تحف العقول* از امام هادی علیه السلام نقل می‌کند که فرمودند: «شخصی که اعتراف به لواط کرده است و شاهی بر او اقامه نشده و خود او داوطلبانه اقرار نموده است اگر امام که از جانب خداوند است می‌تواند از سوی خدا او را به کیفر رساند، این اختیار را نیز دارد که از سوی خدا بر او منت گذارد. آیا سخن خداوند را نشنیدی که فرمود: این بخشش و عنایت ماست، خواهی منت گذار و خواهی بدون حساب نگهدار.» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۳۳۱)

ج) توبه از مساحقه

مسئله توبه از عمل زشت مساحقه دارای سه صورت است؛ صورت اول این‌که مساحقه‌کننده قبل از اثبات از طریق شهود، توبه نماید. در این صورت مشهور فقهای امامیه معتقدند که حد ساقط می‌شود. (نجفی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۹۰) مستند این حکم همان است که در مبحث زنا و لواط بیان شد. صورت دوم این‌که مساحقه‌کننده بعد از شهادت شهود توبه نماید. در این صورت، مشهور فقهای امامیه بر این باورند که حد ساقط نمی‌شود. دلایل آنان همان دلایلی است که در مبحث لواط ذکر گردید. (نجفی، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۹۰)

صورت سوم این که مساحقه کننده بعد از اقرار توبه نماید. در این صورت حاکم در عفو و اجرای حد مخیر است. (نجفی، ۱۳۶۳ ش، ج ۴۱، ص ۳۹۰)

د) توبه از قیادت

حکم سقوط حد قیادت با توبه، همان است که درباره سقوط حد زنا، لواط و مساحقه بیان شد و همان دلایل نیز در این جا مصداق دارد.

۲ - ۲ - ۴. گفتاری بودن جرم

از جمله جرائم مهم در این مورد، ارتداد و قذف است.

الف) ارتداد

ارتداد، مصدر باب افتعال از ماده (ردد) مشتق شده و به معنای بازگشت و رجوع به چیزی است (مجمع البحرین، ذیل واژه «رد»؛ چنان که راغب اصفهانی می نویسد: «ارتداد و رده، به معنی رجوع و بازگشت به راهی است که شخص آن را پیموده است با این فرق که ارتداد در مورد مطلق بازگشتن به کار برده می شود، در حالی که رده تنها بر بازگشت از دین اسلام اطلاق می شود»). (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۹۲ - ۱۹۳) فقها نیز در تعریف ارتداد، با اندک اختلافی در تعبیر، بر این معنی اتفاق دارند که ارتداد، خروج از اسلام و داخل شدن در کفر است. (امام خمینی، ۱۳۷۲ق، ج ۲، ص ۳۶۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۸۳) توبه در اینگونه موارد، عبارت از اسلام آوردن و بیان شهادتین است.

اکثر فقهای امامیه، بین مرتد فطری و ملی تفاوت قائل شده و گفته اند: اگر مرتد ملی است، باید توبه داده شود و اسلام بر او عرضه گردد و در صورت عدم پذیرش از سوی مرتد، کشته می شود. اگر مرتد فطری مرد باشد، چه توبه کند و یا از آن سر باز زند، کشته می شود؛ بنابراین درخواست توبه از او معنی نخواهد داشت. مرحوم صاحب جواهر بعد از نقل این نظریه، مدعی است که این نظریه، مخالفی نداشته، بلکه مورد اجماع فقهاست. (نجفی، ۱۳۶۳ ش، ج ۴۱، ص ۶۰۵)

مبنای تفصیل فقهای امامیه، روایاتی است که از طریق ائمه معصومین علیهم السلام در این باره رسیده است که به اجمال، به برخی از آنها اشاره می‌شود:

روایات رسیده در این باره، به سه دسته تقسیم می‌شوند؛

۱. برخی از روایات، به طور مطلق دلالت دارند که کیفر ارتداد، قتل است. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۹۰، ح ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۹۱ و ۳۹۳؛ حر عاملی، بی‌تا، ص ۵۴۵ - ۵۴۴)
 ۲. دسته دیگر به طور مطلق دلالت دارند که مسلمان پس از ارتداد توبه داده می‌شود و در صورت عدم پذیرش، کشته می‌شود. (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۵۴۸ - ۵۴۷)
 ۳. دسته سوم روایاتی است که مرتد فطری و ملی، فرق گذاشته است و حکم مرتد فطری مرد را قتل دانسته است، بدون این‌که از وی درخواست توبه گردد؛ ولی مرتد ملی زن، زمانی به قتل می‌رسد که از قبول توبه و بازگشت به اسلام سرباز زند. (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۵۴۵؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۴۲)
- فقها در مقام جمع بین این سه دسته روایات، قائل به تفصیل شده‌اند و روایات دسته سوم را مفید و شارح روایات دسته اول و دوم قرار داده‌اند و گفته‌اند: «مقصود از روایات دسته اول، مرتد فطری است و مقصود از روایاتی که به طور مطلق توبه مرتد را پس از ارتداد می‌پذیرد، مرتد ملی است.»
- بنابراین، بین مرتد فطری و ملی، در صورتی که مرتد، مرد باشد در فقه امامیه، از نظر پذیرش و عدم پذیرش توبه، تفاوت وجود دارد. (نجفی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۶۱۱)

ب) قذف

قذف، عبارت از متهم کردن شخص عقیف - اعم از مرد یا زن - به زنا یا لواط است که به موجب این آیه شریفه: «کسانی را که زنان عقیف را به زنا متهم می‌کنند و چهار شاهد نمی‌آورند، هشتاد تازیانه بزنید و از آن پس هرگز شهادتشان را نپذیرند، که مردمی فاسقند.» (نور، ۴) قذف به دو صورت قابل تحقق است؛ قذف سبّ و قذف شهادت؛ در ذیل هر یک از آنها توضیح داده می‌شود.

یکم) قذف سب

قذف سب عبارت است از این که کسی دیگری را به طور مستقیم به یکی از نسبت‌های ذکر شده (زنا یا لواط) متهم کند. مثلاً به او بگوید که تو زنا کرده‌ای. توبه در این گونه موارد، عبارت است از این که قاذف گفته‌های خود را تکذیب نماید؛ یعنی بگوید دروغ گفته‌ام و تهمت زده‌ام و سپس اعمال صالح انجام دهد. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ یعنی «آنها فاسق هستند؛ مگر کسانی که توبه کنند و بعد از این اعمال صالح انجام دهند (که خداوند آنها را می‌بخشد) زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.» (نور، ۵۴) مراد از «و أصلحوا» در این آیه شریفه، استمرار بر توبه است؛ به طوری که پس از آن، خیر و نیکی در گفتار و کردار نمایان شود و علاوه بر آن، باید از مقذوف، طلب عفو نموده و خود را تکذیب نماید؛ چنان که پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «توبه قاذف، تکذیب گفته‌های خودش است.» (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۱۷۹) قاذف باید در اجتماع مسلمانان و در مکانی که قذف کرده حاضر شود و خود را تکذیب کند؛ یعنی کسانی که قذف را از او شنیده‌اند، تکذیب کردن او را نیز بشنوند و بدین گونه، سوءظن مسلمان قذف شده از بین برود. در این صورت، توبه وی پذیرفته می‌شود و شرعاً عادل است و گواهی او در موارد شهادت پذیرفته می‌شود؛ البته، مدت انجام اعمال صالح نیز یکسال است. (شیخ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۱۷۹)

دوم) قذف شهادت

عبارت از این است که کسی به عنوان شاهد، بر زنا یا لواط کسی شهادت (گواهی بدهد و تعداد شهود به چهار نفر مرد دارای شرایط شهادت نرسد؛ در این صورت، این مرد به عنوان قذف، حد زده خواهد شد. توبه در این گونه موارد عبارت از پشیمانی از گذشته و عدم تکرار آن گناه و جرم است که با انجام توبه، فسق وی زائل گشته، عدالت وی استقرار می‌یابد و گواهی او در موارد شهادت پذیرفته می‌شود.

۵. زمان پذیرش توبه

در جرایم حق الله، توبه، عبارت از پشیمانی از گذشته، عدم تکرار گناه، انجام اعمال صالح و کتمان عمل است. ولی در صورت علنی شدن گناه، باید اجرای حد را بپذیرد، تا توبه‌اش پذیرفته شود. در حقوق الناس نیز توبه عبارت است از پشیمانی از گذشته و عدم تکرار جرم و گناه، ادای حق مردم و تحصیل رضایت آنها و پذیرفتن اجرای حکم قصاص یا حد در موارد لزوم. از این رو، توبه در حق الناس، مسقط مجازات نمی‌باشد.

اگر توبه قبل از اثبات جرم و قبل از دستگیری مجرم باشد در نزد همه مسقط است ولی در غیر این صورت در مورد زمان پذیرفتن توبه اختلافی است. از این رو نخست، بحث در قانون موضوعه (قانون مجازات اسلامی) پی‌گیری می‌شود.

۱- ۵. زمان پذیرش توبه در قانون مجازات اسلامی

در قانون مجازات اسلامی در این زمینه مواردی وجود دارد که ذیلاً بررسی می‌شود:

قانون‌گذار در ماده ۱۱۴ مقرر کرده است: «در جرایم موجب حد به استثنای قذف و محاربه هرگاه متهم قبل از اثبات جرم، توبه کند و ندامت و اصلاح او برای قاضی محرز شود حد از او ساقط می‌گردد. همچنین جرایم فوق غیر از قذف با اقرار ثابت شده باشد در صورت توبه مرتکب حتی پس از ارتکاب جرم دادگاه می‌تواند عفو مجرم را توسط رییس قوه قضاییه از مقام رهبری درخواست نماید.»

تبصره ۱. توبه محارب قبل از دستگیری با تسلط بر او موجب سقوط حد است.

تبصره ۲. در زنا و لواط هرگاه جرم به عنف، اکراه و یا با اغفال بزه دیده انجام گیرد مرتکب در صورت توبه و سقوط مجازات به شرح مندرج در این ماده به حبس یا شلاق تعزیری درجه ۶ یا هر دو آنها محکوم می‌شود.

ماده ۱۱۶ مقرر شده است: «دیه، قصاص، حد قذف و محاربه با توبه ساقط نمی‌شود.»

در ماده ۱۱۷ آمده است: «در مواردی که توبه مرتکب، موجب تخفیف یا سقوط مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید محرز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌گردد. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود

که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغی و مجازات اجرا می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود.»

در ماده ۱۱۸ نیز آمده است: «متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید.»

۲-۵. زمان پذیرش توبه از دیدگاه فقهای امامیه

۱-۲-۵. توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم

مشهور فقهای امامیه معتقدند که توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم، موجب سقوط مجازات است (خمینی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۱۶؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۸۶-۱۸۵) که مستند ایشان، آیات و روایات و اجماع می‌باشد. نخست درباره آیات، آیه ۳۳ و ۳۴ سوره مائده در مورد توبه محارب و آیه ۱۶ سوره نساء در مورد توبه مرد و زن زناکار و آیه ۴ و ۵ سوره نور در مورد توبه قاذف و آیه ۳۹ سوره مائده در مورد توبه سارق بر سقوط مجازات به سبب توبه، قبل از دستگیری دلالت دارد. فقهای امامیه، با استناد به آیات مذکور، مجازات مرتکب را ساقط می‌دانند؛ چنان‌که امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله می‌نویسد: «یسقط الحد لو تاب قبل قیام البینه رجما کان او جلدا.» (خمینی، ۱۳۷۲ش، ص ۴۱۶، مسئله ۱۶) در کتاب کشف اللثام بر این مطلب دعوی اجماع شده است. (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۸۶) علاوه بر اجماع، دلایل دیگری نیز وجود دارد که به اختصار، به برخی از آنها اشاره می‌شود.

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام سؤال شد در مورد مردی که سرقت کرده یا شراب نوشیده یا زنا کرده و کسی هم برای آنها آگاهی نیافته و دستگیر هم نشده است توبه کرده و اصلاح می‌شود. امام علیهما السلام در پاسخ فرمودند: «هرگاه اصلاح شود و از او فعل و امر زیبا مشاهده شود بر وی حد اقامه نمی‌شود.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۲۵۰؛ طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۱۰، ص ۱۲۲، ح ۱۰۷)

در روایت امیرالمؤمنین علیه السلام عبارت «...أن یأتی بعض هذه الفواحش...» (کلینی،

۱۴۰۷ق، ص ۱۸۸، ح ۳) آمده است که مستفاد از آن، این است که نظر آن حضرت منحصر به جرم زنا نبوده است و در جرایم مشابه نیز بهتر است که مرتکب، قبل از علنی شدن گناه، توبه نماید.

۲ - ۲ - ۵. توبه بعد از اثبات جرم

کسی به جرمی اقرار نماید و آن‌گاه توبه نماید مورد بحث بزرگان فقهی قرار گرفته است؛ صاحب شرایع در این مورد می‌نویسد: «اگر شخص به جرمی اقرار نماید و سپس توبه کند، امام در اقامه حد مخیر است، سنگسار (رجم) باشد یا تازیانه (جلد)». (محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۳۹)

در کتب سایر فقها نیز، عبارتهای مشابه دیده می‌شود. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۸۵؛ خمینی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۴۱۶ - ۴۱۷) در این نظریه اختلافی دیده نمی‌شود. البته، بین این توبه (توبه بعد از اقرار به جرم) و توبه قبل از اثبات جرم، یک تفاوت اصلی وجود دارد و آن این‌که در مورد توبه قبل از اثبات، حد ساقط می‌شود یعنی اثر مستقیم توبه، سقوط کیفر است و قاضی نمی‌تواند در صورت صحت توبه، مرتکب را مجازات نماید؛ اما، در مورد توبه بعد از اثبات جرم با اقرار، این‌گونه نیست؛ بلکه توبه فقط سبب عفو از مجازات در اختیار قاضی است؛ یعنی قاضی در صورت صلاحدید می‌تواند مرتکب را عفو نموده یا مجازات نماید. (خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۸۶) مستند این نظریه، روایات متعددی است از جمله روایت طلحة بن زید است که قبلاً به آن اشاره شد و روایات مشابه آن. (شیخ صدوق، ج ۴، ص ۴۴، ح ۹)

۳ - ۲ - ۵. توبه، بعد از اثبات جرم با بینه

در این مورد دو نظریه وجود دارد؛ مشهور فقهای امامیه معتقدند که اگر جرم با شهادت شهود ثابت شود و مرتکب، پس از آن توبه نماید، امام اختیار عفو او (مجرم) را ندارد و باید حد الهی را بر وی جاری سازد. (محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۴۰؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۰۹؛ خمینی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، صص ۴۱۷-۴۱۶)

همچنین امام خمینی رحمته الله علیه در این باره می‌نویسد: «اگر قبل از قیام بینه توبه نماید

رجم باشد یا جلد حد ساقط می‌شود و اگر بعد از آن توبه نماید ساقط نمی‌شود و امام علیه السلام حق عفو او را بعد از قیام بینه ندارد؛ ولی اگر بعد از اقرار توبه نماید، امام می‌تواند او را عفو نماید و اگر قبل از اقرار توبه نماید، حد از او ساقط است.»

مستند نظریه مشهور، روایات بسیاری است که در این خصوص وارد شده است. علاوه بر مرسله برقی و معتبره طلحة بن زید (که قبلاً گذشت)، خبر ابی بصیر نیز در توجیه دیدگاه مشهور مورد استناد قرار گرفته است. خبر ابی بصیر از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که شهود بر زنای او شهادت داده بودند و او قبل از اجرای حد فرار کرده بود. امام فرمود: «اگر توبه کند، چیزی بر او نیست (مجازات نمی‌شود) و اگر به دست امام بیفتد حد بر او اقامه می‌شود و اگر امام مکان وی را بداند، به سوی او می‌رود. (برای دستگیری‌اش اقدام می‌کند.)» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۵۱، ح ۱) البته، در صورتی می‌توان به روایت مذکور استناد کرد که عبارت «فما علیه شیء» این گونه تفسیر شود که بین خدا و بنده‌اش توبه پذیرفته می‌شود، ولی از نظر دنیوی باید حد اجرا شود.

در مقابل نظریه مشهور، عده کمی از فقها قائل هستند که اگر بزهکار بعد از اثبات بزه از طریق شهادت شهود، توبه کند، توبه‌اش به وسیله امام پذیرفته می‌شود و می‌تواند مورد عفو قرار گیرد. شیخ مفید رحمته الله علیه یکی از قائلین به این نظریه است که در این مورد به «اصالت برائت» و دلیل استصحاب و اولویت سقوط عقاب دنیا از عقاب اخروی استدلال کرده است. توضیح آن‌که طبق اصل برائت، اگر در اجرای حد بر مجرم تردید وجود داشته باشد طبق اصل برائت باید چنین کسی را مستحق مجازات دانست و طبق اصل استصحاب، فرد، مستوجب حد نبوده است؛ از این رو، اکنون چنانچه تردید نماییم که آیا مستوجب حد شده است یا خیر؟ طبق اصل ذکر شده، عدم ثبوت حد بر ذمه وی استصحاب می‌شود. دلیل دیگر، اولویت سقوط مجازات دنیا، نسبت به سقوط عقاب اخروی است، یعنی چنانچه کسی در آخرت به دلیل ارتکاب عملی قابل مجازات نباشد، در دنیا نیز قابل مجازات نخواهد بود. چگونه ممکن است، وی در آخرت به علت توبه مستوجب عقاب نباشد ولی در دنیا مجازات شود؛ زیرا سقوط مجازات در دنیا، نسبت به سقوط مجازات در آخرت اولویت دارد.

نظر مرحوم شیخ مفید این است که بین سقوط مجازات اخروی و دنیوی، ملازمه وجود دارد و کسی که در آخرت مجازات نمی‌شود در دنیا نیز (به طریق اولی) مجازات نخواهد شد. از جمله دلایل مرحوم شیخ مفید برای اثبات نظریه‌اش، تمسک به «عموم تعلیل» در خبر تحف العقول است که امام علیه السلام فرمودند: «چون امام می‌تواند از جانب خداوند مجرمین را مجازات نماید از این رو حق عفو را نیز از جانب خدا دارد. (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۳۳۱، ح ۴) به اعتقاد شیخ مفید علیه السلام این روایت، بیانگر این است که بین حق اجرای حد و حق عفو مجرم توسط امام، ملازمه وجود دارد. در حالی که عموم این خبر توسط روایات دیگری قابل تخصیص است که عفو را در صورت قیام بینه جایز نمی‌شمارد. از جمله این روایات، روایت وارده از امام علی علیه السلام است که فرمود: «اذا قامت البینه فلیس للإمام ان یعفو» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۳۳۱، ح ۴) به هر صورت به دلیل روایات متعدد، (مانند روایات اخیر) مشهور از نظریه اول (عدم امکان عفو توسط امام، بعد از اثبات جرم با قیام بینه) پیروی نموده‌اند و قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران نیز بر اساس نظریه مشهور فقهای امامیه تنظیم شده است.

نتیجه

فقهای امامیه معتقدند که توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم، در حق الله موجب سقوط مجازات است. اما بین توبه بعد از اقرار به جرم و توبه قبل از اثبات جرم، یک تفاوت اصلی وجود دارد و آن این که در مورد توبه قبل از اثبات، حد ساقط می‌شود یعنی اثر مستقیم توبه سقوط کیفر است و قاضی نمی‌تواند در صورت صحت توبه، مرتکب را مجازات نماید؛ اما در مورد توبه بعد از اثبات جرم با اقرار، این گونه نیست؛ بلکه توبه فقط به عنوان سبب عفو از مجازات، در اختیار قاضی است یعنی قاضی در صورت صلاحدید می‌تواند مرتکب را عفو نموده یا مجازات نماید. و نیز اگر جرم با شهادت شهود ثابت شود و مرتکب پس از آن توبه نماید، امام اختیار عفو او (مجرم) را ندارد و باید حد الهی را بر وی جاری سازد.

فهرست منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
غرر الحکم.
- ابن ادريس، محمد بن منصور (۱۴۲۸ق)، السرائر، قم: النشر الاسلامی.
- ابن فارس، احمد (۱۴۲۲ق)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۶ق)، لسان العرب، بیروت، مؤسسه علمی مطبوعات.
- اردبیلی، احمد (۱۴۱۵ق)، مجمع الفائدة و البرهان، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۲۶ش)، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.
- تبریزی، جواد (۱۴۱۷ق) اسس الحدود و التعزیرات، قم: بی نا.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، وسائل الشیعة، تهران: مکتبه الاسلامیه.
- حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی) (۱۴۱۹ق)، مختلف الشیعة، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طاهری، حبیب الله (۱۳۸۱ش)، سیری در جهان پس از مرگ، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید علی (۱۴۲۲ق)، ریاض المسائل فی بیان الاحکام بالدلائل، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۸۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی) (۱۳۱۶ش)، الخلاف، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- _____ (۱۳۸۷ش)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
- عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی) (۱۳۸۰ش)، شرح لمعه، کتاب الحدود، قم: نشر قدس رضوی.
- _____ (۱۴۲۵ق)، مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۷ق)، تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسیلة، کتاب الحدود، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
- مدیر شانه چی، کاظم (۱۳۷۶ش)، علم الحدیث و درایة الحدیث، قم: انتشارات اسلامی.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲ق)، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خویی.
- نوری مازندرانی، حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸ش)، بایسته های فقه جزا، تهران: نشر میزان.